



گزارش یک زندانی از بند ۸ زندان قصر

دست نگهدارید! چک را امضاء نکنید!

نیست، بلکه می‌توان آن را حتی در حد یک سند دست‌نوشته که مشخص می‌کند طرف «الف» متعهد به پرداخت مبلغ معینی، در تاریخ مشخصی به طرف «ب» شده است، تلقی کرد! ماده ۳۱۰ قانون تجارت چک را چنین تعریف کرده است: «چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده، وجوهی را که نزد محال‌علیه دارد، کلاً یا بعضاً مسترد، یا به دیگری واگذار می‌نماید».

اما اکنون چک همه نوع کارکردی دارد جز کارکردی که در قانون تجارت برای آن پیش‌بینی شده است.

یکی از این کارکردها، رفع تنگناهای امروز با امیدبستن به شانس‌ها و موفقیت‌های آینده است و اتفاقاً خیلی عظیمی از قربانیان چک را افرادی تشکیل می‌دهند که به این ورقه‌های کاغذی با همین دید می‌نگرند و هر ورقه چک را به مثابه یک بلیت بخت آزمایشی تلقی می‌کنند که شانس باخت ندارد، در حالی که اتفاقاً شانس باخت برای این افراد، خیلی بیشتر از خریداران بلیت‌های لاتاری است.

دارنده بلیت بخت آزمایشی (لاتاری) فقط پولی را که بابت خرید آن پرداخته می‌بازد، اما کسی که چک را بدون آگاهی از قوانین حقوقی و جزایی آن مورد استفاده قرار می‌دهد آزادی، کانون خانوادگی و عمر خود را هم از دست می‌دهد.

و زندان‌های ما پر است از افرادی که ندانسته‌اند چک چه بلیه‌ای است و اگر هم می‌دانستند، از سر ناچاری، یا تحت تأثیر وسوسه‌ها و یا از سر ناچاری بر روی برگه‌های چک ارقامی رانوشته‌اند و به دست کسانی داده‌اند که می‌دانند چگونه از قوانین مربوط به چک در ایران، برای پولدارتر شدن و به زانو

عرفی و قانونی آن، عاملی برای ایجاد تسهیل در مبادلات بازرگانی و دادوستدهای مشروع و قانونی باشد، به ۹۹ اجتماعی و هم اقتصادی تبدیل شده است.

چک یک حواله پرداخت است؛ حواله پرداخت تمام یا قسمتی از وجهی که صادرکننده آن، نزد بانک مربوطه به امانت گذاشته است. اما قسمت اعظم چک‌هایی که در ایران صادر می‌شود فاقد موجودی در حساب به هنگام صدور، و به اصطلاح، مدت دار است.

آسان‌گیری دولتمردان ایران سبب شده

**شما که بی‌محابا
چک می‌کشید، می‌دانید
حکم «یوم‌الاداء» یعنی چه؟
یعنی این که تا زمان
نپرداختن بدهی خود،
ولو هزار سال طول
بکشد، باید در
زندان بمانید!**

چک ماهیت واقعی خود را از دست بدهد و به صورت ورقه‌ای درآمد که در سالم‌ترین وضعیت به عنوان سند ایفای تعهد مالی یک طرف نسبت به طرف دیگر مورد استفاده قرار گیرد. به تعریفی روشن‌تر، چک به جای کارکرد واقعی آن، و نیز تعاریفی که در قانون و علم اقتصاد از آن شده است دیگر سند معتبر حواله دارایی نقدی یک شخص حقیقی یا حقوقی

اگر قانون چک با دقت و وسواس اجرا شود، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ پاسخ مسئولان قوه قضاییه به این پرسش چنین خواهد بود:

• حجم پرونده‌های مربوط به چک بلامحل و کلاهبرداری با استفاده از چک که شامل چند صد هزار پرونده در سال است به شدت کاهش می‌یابد و قضاوت فرصت رسیدگی به سایر پرونده‌های معوق، و انبوه شده را خواهند یافت

• زندان‌ها خلوت خواهند شد
• ضابطین دادگستری به جای آن که دقت خود را صرف تعقیب، کمین نشستن و دستگیری صادرکنندگان چک‌های بلامحل یا سوءاستفاده‌کنندگان از چک کنند، به تأمین امنیت جامعه و پیشگیری از وقوع جرائم مشغول خواهند شد.
• و...

اما پاسخ مدیران اقتصادی کشور متفاوت خواهد بود. پاسخ‌های مسئولین بانک‌ها نیز نوعی دیگر خواهد بود و بازرگانان و معامله‌گران بازارهای سفید و سیاه هم پاسخ‌های متفاوتی خواهند داد.

پاسخ کارشناسان و تحلیل‌گران مسایل اجتماعی و اقتصادی به پرسش بالا این است: اگر قانون چک با دقت اجرا شود بسیاری از رباخواران، کلاهبرداران، فعالان بازار سیاه، واسطه‌ها و دیگر عوامل ایجاد ناهنجاری‌ها در ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور ما مجبور خواهند شد بساط خود را برچینند و سایه شوم خود را از سر جامعه کم کنند.

چک، به واقع به جای آنکه طبق تعریف

در آوردن صادرکننده چک و خانواده او استفاده کنند.

گزارش یک زندانی

یکی از این قربانیان آقای مجید میرزائی است که هم اکنون در اندرزگاه (بند) شماره ۸ زندان قصر زندانی است و معلوم نیست تا کی باید در زندان بماند، زیرا طلبکارانش او را «یوم الاداء» کرده اند، یعنی تا زمانی که بدهی خود را نپردازد، باید در زندان بماند.

میزان بدهی آقای مجید میرزائی ۱/۶ میلیون تومان است. به قراری که برادر وی می گفت او بیش از آن که اهل تجارت باشد، اهل مطالعه و تحقیق است، معیناً شرایط اقتصادی حاکم بر کشور او را به تجارت و تولید کشاند. همان شرایط اقتصادی یک حساب جاری و یک دسته چک در اختیارش قرار داد و او بدون آنکه به عاقبت کار بیندیشد، چک کشید و چون نتوانسته وجه آن را به موقع بپردازد زندانی شده، آن هم زندانی

«یوم الاداء»!

این آقای میرزائی که خط خوشی هم دارد، از زندان گزارش می برای «گزارش» فرستاده که با خط زیبایی نوشته شده است. وقتی این گزارش جزوه مانند را دیدیم و محتویاتش را خواندیم، اولین پرسشی که به ذهنمان رسید این بود: چرا باید شرایط چنان باشد که صاحب این خط خوش و این معلومات زندانی چک باشد؟

پاسخ این پرسش را از نوشته خود وی استخراج کردیم او سرنوشت یکی از هم بندیهایش را چنین نگاه داشته است.

یکی از صاحبان تولید [زندانی در] این اندرزگاه در ضربه ای [که] از شوک وارده به بازار از طرف بانک مرکزی و نزول ناگهانی قیمت ارز، با کسر سرمایه مواجه شده بود جهت جایگزین کردن وجه برای ادامه تولید و بانیت اینکه حدود دویست نفر کارگر وی مشغول به کار باشند، از بانک های مختلف درخواست وامی به

اندرزگاه شماره ۸ زندان قصر تا تاریخ ۸/۵/۷۹ گرفته شده، اطلاعات زیر به دست آمده: ۱- ۴۶٪ محبوسین بالای ۴۰ سال سن دارند که تا این سن حتی برای یک بار هم به کلانتری نرفته اند.

۲- از این تعداد ۸۶٪ متأهل هستند و هر کدام به طور متوسط ۴ نفر تحت تکفل دارند که با زندانی شدن آنان ۳۰٪ از کانسون این خانواده ها پاشیده و بقیه نیز دچار تزلزل شده اند.

۳- ۵۹٪ زندانیان دارای تحصیلات حداقل دیپلم تا دکترا با تخصص های مختلف هستند که هر کدام چند شرکت زیرپوشش مدیریتی خود داشته اند.

۴- تعداد کارگران و کارمندان تحت مسئولیت این زندانیان به طور متوسط برای هر زندانی ۲۰ نفر بوده که این تعداد نیز بر خیل بیکاران کشور افزوده شده.

۵- ۸۰٪ زندانیان فوق در ارتباط با نزول چک های اضافی و تضمینی که نزد نزول خواران امانت بوده است گرفتارند.

روی دیگر سکه

تاکنون در بحث از چک و در دسرهایش، بیشترین توجه به اموری معطوف بوده که چک را به عنوان وسیله ای برای سوء استفاده، رباخواری، اختلاس، کلاهبرداری و دیگر بزه ها، مورد سوء استفاده قرار می دادند و شاید به همین علت باشد که اکنون مجازات «یوم الاداء»

با شدت و حدت از سوی محاکم دادگستری به اجرا گذاشته می شود.

در این مورد که خیلی از پرونده های مربوط به چک، ناشی از عملکرد مجرمانه کلاهبرداران و سوء استفاده چی ها بوده و هست نباید تردید کرد. اما نباید از این نکته غفلت کرد که خیلی افراد نیز قربانی استفاده نادرست از چک در چرخه اقتصاد کشور، غلطی انار سابق بودن قوانین مربوط به چک، عملکرد نادرست شبکه بانکی کشور و موارد دیگری از این قبیل، شده اند.

مبلغ ۵۰ میلیون تومان می نماید و چون بوروکراسی حاکم بر سیستم بانک ها مانع از اجرای سریع این درخواست بود. نهایتاً اجباراً به سمت بازار نزول رو آورد و یکی از منصف ترین آنها را یافته و با نرخ ۵/۵ ماهیانه مبلغ مورد نظر را پس از سپردن تعهدات لازم و چک های تضمینی و غیره دریافت کرده و تولید را ادامه می دهد. غافل از اینکه ضربه ها و شوک های بعدی و سیر نزولی نرخ تولید و بالعکس سیر صعودی نرخ بهره در بازار، چاره ای جز تعطیل کارخانه و تأدیه بدهی ها باطلانف الحیل، نمی گذارد. و نهایتاً او سر از زندان در آورده تا دو سال محکومیت را بگذراند. غافل از غول نزول که وارد صحنه شده و با به اجرا گذاشتن یکی از چک ها به مبلغ ۱۶۰ میلیون تومان (به این عنوان که نزول ۵۰ میلیون در دو سال ۱۶۰ میلیون است)، چک

دربینین معطله با خود فریبی تحت لای عقود اسلامی از جمله مضاربه در صدور راه حل جدیدی برای راهائی از این بن بست برآید و با خوار پس از اذیت های مکنفی و مضرب و اسناد مضاعف مبارزت بتخیل مبالغی بطر معطلی مسما بد در حالیکه پس از چند صبا می تعهدات قدیم و جدید مزید بر یکدیگر با فروشی پیر فرا میرسد و اینجاست که دیگر تمامی عمل تجارت، تخریبات مثبت و منفی کاری و تدبیر از انسان سلب میگردد و ناگاه آدمی خود را در لبه پرنگاه و در دره سقوط و تباهی میساید و واجب الحجج دیروز به واجب النفقه امر و زبندل میگردد. نکته قابل توجه آنکه طبق تعجبنا

نمونه خط یک زندانی چک که بابت بدهی خود «یوم الاداء» شده است.

تا چه زمان باید دسته چک هایی که قوانینی نارسا بر اعمال استفاده کنندگان از آنها ناظرند، چنین افرادی را در کنار کسانی بگذارند که از چک به عنوان وسیله ای برای کلاهبرداری سوء استفاده می کنند؟

تضمینی را پر کرده و به اجرا گذاشته و طبق مواد ۶۹۶ و ماده ۲ محکومیت های مالی او را یوم الاداء نموده و شعاع معروف (ندهی نروی) را در موردش به عمل آورده است. حال این شخص آبرومند سابق، دست و پابسته در کنج زندان کی و چگونه «بدهد تا برود»، خدا می داند و صدالبته قضاوت محترم قوه قضاییه.

همین آقای میرزائی در بخش دیگری از این گزارش گونه، می نویسد:

طبق آماری که از ۱۰۰۵ نفر محبوس در

نگرش قانونی در آن و ممنوعیت صدور چک به هر نوعی از وعده‌دار، تضمینی، سفیدامضاء، بی تاریخ و رد هرگونه شرط ضمنی، در جلوگیری از چک به جای سفته و اینکه چک تنها و تنها به عنوان حواله نقدی مورد استفاده قرار گیرد، خواهد بود.

لیکن نمونه‌های عینی و وجود پرونده‌های بیشمار چک در صحن دادگاه‌ها و دادگستری‌ها، علیرغم تشدید مجازات، حاکی از افزایش روزافزون این معضل دامنگیر و بکارگیری این برگه حواله که به موجب ماده ۳۱۰ قانون تجارت ایران به صراحت و به دور از هرگونه ابهام تعریف شده:

«چک نوشته‌ایست که به موجب آن، صادرکننده وجوهی را که نزد محال علیه دارد، کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید». و چنانچه ماده اخیرالذکر در قانون تجارت مقرر می‌دارد، چک به طور گسترده در مبادلات فیما بین اشخاص اعم از حقیقی و یا حقوقی و حتی در ارگان‌های رسمی و دولتی و نهادهای قانونی رایج می‌باشد. و این در حالی است که چک به دور از اهداف مورد نظر و خارج از علت وضع آن همچنان رو به گسترش است که دقت نظر در بررسی این پدیده حاکی از اعتبار کاذب و خارج از حد ظرفیت برای یک برگه حواله بدون پشتوانه تمبر دولتی و... است.

لذا با عنایت به جهات ماهوی چک به هیچ روی نمی‌تواند جایگزین سفته و رقیب مناسبی برای سایر اسناد تجاری در عرصه اقتصاد و اجتماع گردد. چرا که اولاً چک به طور سهل‌الحصول و سهل‌الصدور در هر شرایط و هر زمان قابل دسترسی و صدور بوده و در عوض و بدل اوراق بهادار و همچنین همراه با اسکناس در مبادلات تجاری و در بین افراد در

سایر قوانین حاکم موجود مستفاد می‌گردد. بررسی همه جانبه در این خصوص می‌تواند ما را در آرایه این پاسخ صریح و قاطع و دستیابی به این نتیجه معطوف دارد که با اعتنا به مستندات، معلومات و محتویات پرونده‌های بیشمار قضایی این شیوه، علی‌الخصوص اصلاحیه قانون چک و تشدید مواضع این قانون به هیچ روی موفق نبوده است و با قلب محتوی و ماهیت از جایگاه یک حواله نقدی به سمت و سوی یک سند به‌هکاری مبدل گردیده است که با توجه به خصیصه سهل‌الحصول و سهل‌الصدور بودنش زیان‌های بیشماری را در این عرصه در پی داشته است.

چک بر مبنای قانون دارای هیچگونه محدودیتی و سقفی نبوده و فی‌نفسه صادرکننده می‌تواند بدون هیچ تناسب و نسبتی با موجودی بانکی یا دارایی خود حتی چندین برابر اسکناس‌های موجود در جامعه (البته با توجه به نقدینگی حاد که خود از معضلات پیچیده و مبتلا به جامعه امروزی است) به عنوان بزرگترین عامل تورم عمل نماید، و چه بسا که همین چک‌های صادره وسیله تحقیق امر رباخواری و یا وقوع عملیات صوری و تکراری گردد، و چرخه بی‌ساز اقتصاد جامعه ما را بیش از پیش مختل نموده و به سوی انحطاط و تباهی سوق دهد.

شاید مفید فایده باشد برای آنکه علت اصلی درد را بیابیم، قدری به عقب‌تر برگردیم و علت تصویب و منظور نظر قانونگذار در جهت وضع قانون صدور چک در سال ۱۳۵۵ و همچنین علت تشدید و به دنبال آن بازنگری و اصلاح قانون صدور چک در سال ۱۳۷۲ را اجمالاً بررسی و تحلیل نماییم. چنین به نظر می‌رسد که هدف مقنن از حذف ماده ۱۲ و یکسان نمودن

برهمن اساس، بحث‌های کارشناسی در مورد چک و قوانین و مقررات مربوط به آن نیز همواره تحت تأثیر عملکرد کلاهبرداران و سوءاستفاده‌کنندگان از این وسیله داد و ستد قرار داشته است. در واقع، مقامات و کارشناسان همواره یک روی سکه را پیش از روی دیگر آن مورد توجه و امعان نظر قرار داده‌اند، لذا پیشنهادها و قوانینی که مورد تأیید و تصویب قرار گرفته، ناظر بر همان روی سکه بوده، که البته در عمل ثابت شده این نوع پیشنهادها و تصمیم‌گیری‌ها نیز نه تنها نتایج مطلوبی به بار نیاورده، بلکه راه‌های گریز تازه‌ای را هم پیش پای کلاهبرداران، نزول خوران و... گذاشته است.

اینک بیابیم و برای اولین بار به نظریات و داوری‌های کسانی که خود را قربانی چک و قوانین مربوط به آن می‌دانند، توجه کنیم. ما این نظریات و داوری‌ها را به نقل از نوشته آقای مجید میرزائی منعکس می‌کنیم و یادآور می‌شویم نوشته و گزارش آقای میرزائی منعکس‌کننده نظریات صدها نفر از هم‌بندی‌های وی است.

آقای میرزائی می‌نویسد:

چه بجاست اگر دریابیم که قانونگذار از وضع قانون چک اعم از قانون چک مصوب ۱۳۵۵ و اصلاحیه پس از آن در سال ۱۳۷۲، که در واقع در جهت ارتقاء سطح یک حواله نقدی به سمت و سوی یک سند مبادله‌ای طی طریق نموده و به اهداف خود نائل آمده است یا نه؟ و آیا از تغییر ماهیت و محتوای چک در جهت مخالف با جایگاه واقعی چک به عنوان حواله نقدی مقصود نهایی قانون‌گذار تحصیل گردیده است یا خیر؟ برای پاسخگویی به این سؤال در ابتدا لازم می‌نماید جایگاه چک و موضوعیت آن را از دید قوانین حاکمه در ایران بررسی نماییم:

آنچه که در حقیقت امر از تعریف چک در قانون ایران و سایر سیستم‌های حقوقی انتزاع شده و افاده معنی می‌گردد اینست که چک حواله‌ای نقدی است که البته تاریخ مندرج آن تنها مبین تاریخ صدور به معنی صدور حواله به منظور آرایه به محال علیه بوده است و نه درج تاریخ به منظور تعیین زمان پرداخت، بنابراین باید توجه داشت که هر امری که با جنبه حواله‌ای بودن آن از یک طرف و نقدی بودن آن از طرف دیگر مغایرت داشته باشد، بنا به حکم قانون، جرم و قابل پیگرداست. و اینهمه آن چیزی است که از ماهیت و محتوای قانون چک و



جریان می‌باشد. در حالی که سفته دارای ارزش ریالی مشخص با سقف معین بر مبنای نیم درصد مبلغ آن است. ثانیاً به لحاظ آنکه حسب قوانین حاکمه بروات و سفته‌ها الزاماً از طریق بانک وصول می‌شوند لذا قابلیت کنترل و بررسی بر تعهدات

آیا دولت و مسئولین از این موضوع که قانون چک در مسیر حمایت از رباخواری قرار گرفته اطلاع دارند؟

تجار، همچنین آگاهی بر میزان تعهد به افراد از جانب بانک عمل شده و در نتیجه در سوابق افراد به جهت عملیات بانکی عمل می‌شود. لیکن میزان تعهد به وسیله چک وقتی روشن می‌شود که چک به بانک ارایه و برگشت شده و متعهد هم به عنوان متهم روانه زندان شده باشد و صاحبان چک‌های بلامحل نیز به دنبال وصول آن در دادگستری‌ها سرگردان باشند.

ثالثاً، بکارگیری سفته در سیستم اقتصادی به عنوان سند تجاری بلامنازع دارای نتایج و فوائد بسیاری است که از آن جمله ایجاد درآمد مثبت و درخور توجیهی خزانه داری از بابت فروش سفته می‌باشد. و این در حالی است که چک و سایر تبعات آن اعم از برگشت چک و سیر آن در کلیه مراحل دادرسی تقریباً به طور مجانی انجام می‌گیرد.

نکته در خور توجه دیگر اینکه صرف نظر از بروز جنبه‌های منفی در عرصه اقتصاد و آثار گرانبار توری چک‌های وعده دار که البته صدها برابر سرمایه افراد در عرصه اقتصادی در جریان قرار گرفته و داد و ستد موجود در سیستم را بدون پشتوانه محکم قرار می‌دهد، باتأسف فراوان قانون حاکمه چک خواسته یا ناخواسته مروج پدیده ربا در جامعه و حامی رباخواری است. چه آنکه، حمایت بی‌قید و شرط و ایجاد اعتبار کاذب برای برکه حواله در جامعه‌ای که پول تنها، بدون

زحمت، سود سرشار می‌دهد، چه کسی حاضر خواهد بود سرمایه خود را در راه رنج آور و مخاطره آمیز صنعت، کشاورزی و تولید و سازندگی برای کسب بود شرعی و قانونی به کار بیاندازد؟

چه کسی در چنین شرایطی مبادرت به سرمایه گذاری در صنعت و کشاورزی می‌کند که پس از گذشت سال‌ها از سرمایه گذاری و رفع موانع فراوان و تحمل شرایط توان فرسای مشارکت با سیستم بانکی که به طور نابرابر و با تفاوت فاحش به جهت اعمال اختیار نرخ‌های سود حاصل از مشارکت، همچنان به عنوان تولیدکننده باقی بماند؟

حال باین اوصاف و تفاسیر جای این سؤال باقی است که، آیا دولت و مسئولین و سران نظام از اینکه قانون چک در مسیر حمایت بی‌قید و شرط و رایگان، عامل عمده پشتوانگی رباخواری قرار گرفته اطلاع کافی و وافی دارند؟

در این راستا، دولت موظف به ایجاد نظام‌های عام المنفعه، اشتغال‌زا و رهایی‌بخش از سلطه بیگانه در عین ایجاد امنیت است و اگر در این مسیر نتوان ثبات نسبی برای سرمایه و ارزش پول ایجاد کرد، لااقل در صدد رفع مشکلات جاری سرمایه‌گذار در حادامکان و توان و ایجاد زمینه تأمین امنیت او نموده از طرف دیگر هم در جهت معضلات فلج‌کننده چرخه تولید که عمده‌تری دغدغه‌هایش کاهش روز افزون ارزش پول داخلی و طبعاً کاهش قدرت خرید ایشان است گام بردارد. و این مهم حاصل نمی‌شود مگر [با] اصلاح ساختار سیستم اقتصادی، و اجزاء آن عمده‌ترین آنها در عرصه حذف قانون چک از جنبه کیفی آن و رفع و دفع آثار و عواقب مخرب این قانون است.

امروزه سیستم نظام اقتصادی به همراه قانون چک به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای آن، متأسفانه در جهتی طی طریق می‌نماید که معیار ارزش سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران خرد و کلان، و اکردان سود حاصل از بکارگیری پول در چرخه اقتصاد است و با توجه به حمایت‌های قانونی و سهل‌الوصول بودن بازگردان پول ربوی به دور از هرگونه مزاحمت، کلیه معیارها و انگیزه‌های سرمایه‌گذاران تحت‌الشعاع این پدیده منفی و عنصر نامطلوب صحنه اقتصاد قرار گرفته است، به عنوان مثال شخصی که برای اشتغال به کاری نیاز به فرضاً چند میلیون پول دارد با

بررسی درآمدخالص ماهیانه منطبق با معیارهای سود، پهنه رباخواری را ملاک و معیار قرار می‌دهد.

بر این مبنا مشاهده می‌شود که این معیار نامطلوب، آنچنان در پیکره اقتصاد بیمار ما ریشه دوانده که می‌توان آن را به بهمن عظیمی تشبیه کرد که هرآینه آنچه را که در مسیرش قرار گرفته است خرد و نابود می‌کند چه رسد به آنکه فرد یا گروه یا حتی سیستمی را که قصد مقابله با آن را داشته باشد.

حال باید دید، کدام عقل سلیم می‌پذیرد که مسئولان برنامه ریزی سیستم کلان کشور بدون توجه به این مسایل در صدد رفع معضلات و مشکلاتی که هر روز دامنه وسیع‌تری از تخریب آن نمودار می‌شود برنیامده و در صدد قطع ید این اختاپوس مقتدر و تعیین‌کننده روش‌های تخریب بیشتر اقتصاد اقدام نمی‌کنند. درحالیکه مسئولان و سران نظام بر ناکارآمد بودن آن مقر و معترفند و بر ایرادات حاصل از اجرای قانون نامطلوب چک واقف. آیا زینبند نظامی که به حق داعیه راهبری ممالک اسلامی را داشته و خود را ام‌القراء ملل مسلمان می‌داند، پس از گذشت دو دهه از

یک زندانی چک چک اکنون مؤثرترین ابزار برای توجیه رباخواری و سوءاستفاده از نیاز تولیدکنندگان وکسبه شده است

پیدایش حیات بابرکت انقلابی با مشخصه اسلامی که به واقع انقلاب ارزش‌هاست. پلیدترین ضد ارزش‌ها نه تنها ریشه کن نشده بلکه عنوان جزء لاینفک و غیره قابل انکار جامعه مبدل شده و هر روز بیشتر از دیروز در این راستا نضج گیرد. در حالی که با استناد به نص صریح قرآن کریم و اخبار متواتر با توجه به آیات ۲۷۴ تا ۲۷۹ سوره مبارکه بقره ربا پلیدترین گناهان است به نحوی که هیچ گناهی با آن پهلومی‌زند و در واقع ربا مصداق عینی جنگ و محاربه

باقی نمی‌گذارد و طرفین معامله با خودفریبی تحت لوای عقود اسلامی از جمله مضاربه درصدد راه حل جدیدی برای رهایی از این بن بست برمی‌آیند و رباخوار پس از اخذ وثیقه های مکفی و اعتبار و اسناد مضاعف مبادرت به تحویل مبالغی به طور مقطعی می‌نماید درحالی که پس از چند سباحتی تعهدات قدیم و جدید مزیدبر یکدیگر با فروغی بیشتر فرا می‌رسد و اینجاست که دیگر تمامی عقل تجارت، تجربیات مثبت و مفید کاری و تدبیر از انسان سلب می‌گردد و ناگاه آدمی خود را در لبه پرتگاه و در ورطه سقوط و تباهی می‌یابد و **واجب الحج دیروز به واجب النفقه امروز بدل می‌گردد.** نکته قابل توجه آنکه طبق

شما که به عنوان
تضمین، مساعدت
نسبت به یک دوست،
نزول گرفتن یا
هر دلیل دیگری
بی‌محابا چک
امضاء می‌کنید
از قوانین چک
و عواقب کار
خود آگاهی
دارید؟



تحقیقات به عمل آمده بسیاری از انسان‌هایی که گرفتار شده‌اند نه کلاه بردار بوده و نه قصد آن راداشته‌اند و نه از اصول تجارت غافل بوده و نه اهل اسراف و تبذیر بوده، بلکه عمدتاً در توسعه امور فرهنگی، امور خیریه در پهنه اجتماع و... منشاء اثر بوده‌اند.

در پایان ذکر این نکته را بر خود فرض و واجب می‌دانیم که پول سرگردان وقتی بازاری برای ربا نداشته باشد نهایتاً در یک چارچوب صحیح از سرمایه‌گذاری قرار گرفته، سمت و سوی طی طریق در مسیر صحیح را باز می‌یابد.

بنابراین باید اذعان داشت اگرچه مشکلات اقتصادی ما کلان است و ساختار آن در اکثر زمینه‌ها غالباً اشتباهات ریشه‌ای دارد و اصلاحات و تغییرات آن نیاز به زمان دارد اما تا زمانی که چک وعده‌دار با این گستردگی و در عین حال چندین برابر اسکناس‌ها و نقدینگی و از طرفی موجب وسیله سوءاستفاده رباخواران در خصوص نیت پلید آنها باشد، هیچ اصلاحی در اقتصاد بیمار مأمور نخواهد بود. لذاست که این مهم محقق نمی‌گردد مگر حذف جنبه های کیفری و حقوقی چک و بازگشت این وسیله به جایگاه واقعی خود یعنی تنها و تنها حواله نقدی برای ارایه به محال علیه و بسیار منطقی می‌نماید که مقنن با حذف جنبه های کیفری مسایل مالی اعم از ماده ۲ نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب سال ۷۷ و حذف جنبه های کاذب و غیراصولی چک اعم از حقوقی و کیفری و تبصره ذیل ماده ۲ قانون صدور چک مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص اعمال خسارت تأخیر تأدیه اقدامات مساعد و مقتضی معمول و مبذول دارد.

وجه الضمان به جای سایر قرارها، نادیده گرفتن عنصر معنوی جرم، تلقی جرم از چک‌هایی که عموماً به صورت وعده‌دار صادر می‌گردد و به نوعی نادیده گرفتن عرف نیز هست، همه و همه گویی برخلاف اصل مسلم و پذیرفته شده اصاله البرائه، اصل را بر مجرمیت صادرکننده چک بلامحل قرار داده است و این چنین است که قانون‌گذار با وضع مقرراتی غیراصولی برای یک برگه حواله نقدی استثناء بر اصل راحاکم پررویه و اصول قضایی نموده و بدین ترتیب از مسیر تعادل و واقع‌بینی به دور افتاده است که همگان به نوعی زیان‌دیده از خسارت حاصله از این قانون بی‌قانون سیستم هستیم. معذرتاً ایجاد تعهدهای کلان و پی‌درپی قربانیان معضلات اقتصادی و دست‌اندرکاران امر تولید، که عموماً در قالب صدور چک‌های وعده‌دار به میزانی بیش از ظرفیت سرمایه و درآمد خود تزریق عرصه اقتصادی می‌کنند و غالباً به دلیل اعتبار شخصی و سوابق قابل قبول خود را در شرایط وانفاس تعهدات خود را انجام می‌دهند که تدریجاً حجم تعهدات بیشتر شده و احیاناً با حصول توافقی که در گردش کار ایجاد می‌شود یک درمان موضعی برای این دمل چرکی بدخیم خواهد بود و اگرچه این قضایا ریشه در معضلات اقتصادی دارد، لیکن محل رهایی موضعی و ایجاد بحران عمیق‌تر بعدی اعتبار کاذب و غیرواقعی چک است که گرفتاران غرقاب این باتلاق برای رهایی از این معضل که البته بسیار شوم و بدفرجام است با توجه به ناکارآمدی سیستم بانکی و عدم دستیابی به موقع به تسهیلات بانکی که عمدتاً نوش دارو بعد از مرگ سهراب است، راهی به جز تمسک به آلوده دامان آزموده رباخوار را

با خداوند تبارک و تعالی است و رسول (ص) او. و اینچنین است که حرمت و مذمت ربا بسیار ضروری بوده و در این رابطه باتوجه به محکمت به هیچ وجه نیازی به اجتهاد و تقلید وجود ندارد.

حال چرا دولت با علم به آثار زیانبار سود با بهره‌های مختلف به توسط بانک‌ها در قالب عقود اسلامی و شرعی به سیاست خوددرباره بهره ادامه می‌دهد و جالب‌تر آنکه چک و قانون آن به پوششی برای رباخواری و آثار جانبی آن مبدل گشته است که مصاف بر فریفتن مال باختگان، دست مراجع رسیدگی را در نظام قضایی بسته است و اینچنین است که واقعه‌ای زیانبار به وقع پیوسته و رباخواران در پشت قانون چک مخفی شده‌اند و نارسایی قانون اجازه نمی‌دهد که چهره واقعی و ماهیت حقیقی ایشان هویدا شود و این امر تا بدانجا ادامه می‌یابد که قانون چک که منتزع از دیدگاهی خشک و متعصبانه و برخاسته از نظرگاهی صرف قضایی بودن توجه به سایر دیدگاه‌ها و برخورداردی متعصبانه و غیرواقعی با قانون چک است و گستره این نقیصه و منظرگاه این نظریه تا بدانجا گسترش می‌یابد که بسیاری از اصول مسلم احکام دین مبین اسلام و اصول پذیرفته شده نظام حقوق در عرصه بین‌الملل و رویه واحد مورد تبعیت کلیه سیستم‌های حقوقی نادیده گرفته شده به نحوی که هیچ ادعایی از کسی که صادرکننده چک مستند دعوی است، پذیرفته نمی‌باشد. شاید با این اوصاف از ذکر این جمله که رعایت تشریفات دادرسی در خصوص اتهام چک بلامحل در عمل جنبه سمبولیک دارد چندان گزافه نباشد و ذکر فهرست وارده نواقص این قانون اعم از اعمال تشدید مجازات، جایگزینی قرار